

دکتر تد هیلدبرانت، تاریخ عهد عتیق، ادبیات و الهیات، سخنرانی ۷

© 2020، دکتر تد هیلدبرانت

این دکتر تد هیلدبرانت در تاریخ عهد عتیق، ادبیات و الهیات، سخنرانی 7 در مورد پیدایش 3، سقوط و پیدایش فصل 4 در مورد روایت قابیل و هابیل است.

الف. بررسی و پیش نمایش [1:46-0:00]

برای هفته آینده شما بچه ها به کتاب لاویان نگاه می کنید که برای شما کار خواهد بود. در حال حاضر دو مقاله وجود دارد. همه این مطالب طبق معمول در وب هستند، فقط به وب بروید و دو مقاله وجود دارد. در کتاب دکتر ویلسون مقداری مطالعه شده است پدر ما / ابراهیم با دو مقاله و سپس فصل هایی را در لاویان انتخاب کنید. من مواردی را انتخاب کردم که فکر می کنم برای شما معنادارترین خواهند بود از کتاب لاویان. هفته آینده حفظ مزمر 23 را به پایان می رسانیم: "خداوند شبان من است." بنابراین این در راه است.

ما می خواهیم دوباره به داخل ببریم و من می خواهم از باغ عدن خارج شوم. یک مهمان به اینجا می آید و من فکر کردم خیلی خوب بود اگر می توانستیم با ابراهیم در سرزمین فلسطین قدم بزنیم. او می پرسد که شما در این دوره کجا هستید، و شما می گوئید، "خوب هنوز در باغ عدن بودیم"، و بنابراین ما سعی خواهیم کرد روی آن کار کنیم. آخرین بار در مورد مار و مار صحبت کردیم که حقیقت را به زن می گویند اما در عین حال دروغ می گویند. همچنین، ما در مورد فریبکاری و ظرافت مار صحبت کردیم. ما اساساً اشاره کردیم که مار گفت که آنها بیشتر شبیه خدا خواهند شد. خود خدا در فصل 3: 22 می گوید: "اکنون انسان [انسانها] مانند ما شده اند و خوب و بدی را می شناسند." بنابراین ظاهراً شیطان در این تحلیل درست می گفت.

ب. درخت معرفت خیر و شر: خدا، ما و شر [5:25-1:47]

کاری که امروز می خواهم انجام دهم این است که ببرسم: چگونه آدم و حوا با خوردن میوه درخت شناخت خیر و شر بیشتر شبیه خدا شدند؟ من می خواهم قبل از هر چیز با این کار کنم: آیا تفاوت بین دانش عینی و دانش ذهنی را می دانید؟ دانش عینی دانش خوبی در خارج از شما است. دانش ذهنی دانش خوبی در درون خود است (معنای ذهنی در درون خود). عینی - بیرون و ذهنی - در درون وجود دارد. آیا خدا در خارج از خود به خوبی اطلاع داشت؟ او به تمام خلقت نگاه کرد و اعلام کرد که خوب است (TOV) و پس از اتمام آن توف معود خیلی خوب. بنابراین چیز خوبی وجود داشت، خارج از خودش. من می خواهم تصدیق کنم که خدا در خارج از خودش به خوبی ها می داند. آیا خداوند دانش ذهنی در درون خود دارد؟ بله. آیا خدا شر را می شناسد؟ اگر خدا هیچ بدی را نمی شناسد، پس ساده لوح است. خدا ساده لوح نیست. خدا شر را می داند، اما آیا در درون خدا است یا خارج از خودش؟ حال، آیا او شرارت را در درون خود تجربه می کند؟ نه، ما می گوییم که خدا کامل، خوب، عادل و مقدس است - بنابراین، نه. بنابراین این ساختار دانشی است که من می خواستم با خدا به آن نگاه

کنم. حالا بیایید قبل از وسوسه شدن به آدم و حوا نگاه کنیم. آیا آدم و حوا قبل از سقوط از نیکی خارج از خود آگاهی داشتند؟ آدم و حوا دانش عینی از خوبی خارج از خود داشتند. آیا آدم و حوا قبل از سقوط خوبی را در درون خود می دانستند؟ بله، آنها می دانستند که خدا آنها را خوب ساخته است، و بنابراین آنها دانش ذهنی از خوبی داشتند. آیا قبل از وسوسه، آنها به هیچ وجه شر را می شناختند؟ نه. پس آیا آنها در این مرحله شبیه خدا هستند یا با خدا مخالف؟ آنها شبیه خدا نیستند زیرا هیچ تجربه عینی خارجی از شر ندارند. در نقطه وسوسه، این قبل از اینکه آنها واقعا شرکت کنند، در نقطه ای است که شیطان می گوید: "هی، میوه را بخور." آنها دانش عینی از شر را در خارج از خود به دست می آورند. آنها آن را در مار تجربه می کنند. در این مرحله، آیا آنها بیشتر شبیه خدا شدند؟ دروغ اینجاست، زیرا آنها نه تنها این دانش عینی را به دست آوردند، بلکه وقتی از میوه آن خوردند، چه چیزی به دست آوردند؟ دانش ذهنی از شر. آیا این دروغ است؟ بله. مار/شیطان آنها را وادار می کند تا در شرارت شرکت کنند. بنابراین، به یک معنا، آیا آنها از نظر مشارکت و شرارت فراتر از جایی که خدا بود رفتند؟ بله. آنها در این مرحله بیشتر شبیه خدا می شوند که خیر و شر را می شناسد، اما مشکل این است که آنها فراتر از خدا می روند و در شر شرکت می کنند. بنابراین، این یکی از راه های نگاه کردن به این است.

ج. روند وسوسه [8:19-5:26]

من می خواهم روند وسوسه را طی کنم و این کار را به سرعت انجام دهم. در پیدایش فصل 3 آیه 6 این را می گوید، «مار از هر یک از حیوانات وحشی که خداوند خدا آفریده بود، حيله گر تر بود. زن به مار گفت: «ما می توانیم از هر میوه درخت در باغ بخوریم، اما خدا گفت که نباید از میوه درخت وسط باغ بخوریم.» مار به آیه 5 می گوید، "اما خدا می داند که وقتی از آن بخورید، چشمانتان باز خواهد شد و مانند خدا خواهید بود که نیک و بد را می شناسید." این روند وسوسه است. بیایید آن را تجزیه کنیم. «وقتی زن دید، میوه درخت برای غذا مفید بود.» من می خواهم آن را "شهوت جسم" بنامم. کاری که می خواهم انجام دهم این است که این دو آیه را با هم مقایسه کنم. اول یوحنا فصل 2 آیه 16، «هر آنچه در جهان است، شهوت جسم، شهوت چشم و غرور حیات» این سه چیز را فهرست می کند. این کتاب سه چیز را فهرست می کند و همان سه چیز که در اول یوحنا فصل 2 آیه 16 آمده است دقیقا در پیدایش فصل 3 جا می شود. اول، شهوت گوشت وجود دارد: برای غذا مفید است. کتاب مقدس می گوید "شهوت چشم ها برای چشم خوشایند بود." میوه واقعا خوب به نظر می رسید. سپس غرور زندگی وارد می شود و این را بررسی کنید، از آن "برای کسب خرد" استفاده می شود. این میوه ای برای کسب خرد بود. چند نفر از شما برای آن هزینه می کنید؟ شما میوه را می خورید و عاقل می شوید. این شما را از رفتن به دانشگاه نجات می دهد. می توانستید به سالن غذاخوری بروید و میوه را بخورید و عاقل می شوید. ارتباط خرد با این میوه وجود دارد. نقوش حکمت زیادی در پیدایش 3 وجود دارد. بنابراین همان الگو در روند وسوسه اول یوحنا 2 یافت می شود: شهوت جسم، شهوت چشم، و غرور زندگی مانند وسوسه با مار در پیدایش 3. حالا چه اتفاقی می افتد؟ معضل مرد، آیا با زن متفاوت است؟ شیطان مستقیما با او صحبت می کند. او با

مار گفتگو می کند. می خواهم پیشنهاد کنم که معضل آدم متفاوت است. تنها چیزی که آدم تا به حال تجربه کرده است و می داند خوب نیست چیست؟ آدم "خوب نیست" را تجربه کرده است. "برای انسان خوب نیست که تنها باشد." آیا او این را می داند؟ بله. او این تجربه را داشت و به همین دلیل بود که حوا ساخته شد. حالا او با چه چیزی روبرو است؟ وسوسه آدم متفاوت است زیرا آدم اکنون با این واقعیت روبرو است که حوا میوه را خورده است. اگر آدم بگوید، "نه، من میوه را نمی خواهم"، دوباره چه چیزی است؟ او اکنون دوباره تنها است، تنهایی. او میوه را خورده بود و در شرارت شرکت کرده بود، بنابراین وسوسه آدم متفاوت است. با این حال، او میوه را به او می دهد و آدم می خورد. بنابراین اکنون آنها یکسان هستند، اما هنوز هم به طور متفاوتی وسوسه می شوند.

د. نتایج سقوط [18:10-8:20]

حالا نتایج سقوط اینجاست. آیا اعمال و انتخاب های انسان عواقبی دارد؟ چه چیزی تفاوت بین یک بچه شانزده ساله و یک کودک بیست و دو ساله را ایجاد می کند؟ بگذارید از پسر استفاده کنم. تفاوت بین پسر در شانزده سالگی و بیست و دو سالگی چیست؟ آیا او به عنوان یک نوجوان 16 ساله فکر می کرد که می تواند کارهایی را در زندگی انجام دهد و هیچ عواقبی نخواهد داشت؟ یک جوان کارهایی انجام می دهد و فکر می کند: "من می توانم آن را انجام دهم و می توانم از آن فرار کنم" یا "هیچ عواقبی نخواهد داشت" یا "من می توانم بر عواقب آن غلبه کنم". بنابراین، در شانزده سالگی، او فکر کرد که هیچ عواقبی ندارد. در مورد او، او به تفنگداران دریایی پیوست، که باعث ناراحتی مادرش و من شد، و به افغانستان رفت و به عراق رفت. یکی از دوستانش به ضرب گلوله کشته شد. دیگری از ناحیه گردن مورد اصابت گلوله قرار گرفت. آنها دوستان خوبی بودند. دوستش در واقع در یوتیوب است. او از شلیک گلوله از گردن جان سالم به در برد و یک وصله دارد و ما او را دیدیم که به سمت هلیکوپتر Medivac می دويد. او از یک گلوله از ناحیه گردن جان سالم به در برد. حدود یک میلی متر شریان را از دست داد. پسر وقتی شانزده ساله بود جاودانه بود، او می توانست هر کاری را بدون عواقب انجام دهد. در بیست و دو سالگی، آیا او اکنون می داند که مرگ چیست و ممکن است بمیرد؟ بله، او این کار را می کند. آیا این نگاه او به زندگی را تغییر می دهد؟ بله، زیرا اکنون او این را درک می کند: عمل و پیامد. آیا اقدامات به عواقب مرتبط هستند؟ آیا این تفاوت بین کسی که شانزده ساله است و اکنون در مورد او بیست و دو ساله است؟ اگرچه وقتی با او صحبت می کنم احساس می کنم در بیست و دو سالگی با پیرمردی صحبت می کنم، اما بسیار رقت انگیز است، زیرا او خیلی از زندگی را دیده است.

بنابراین چیزی که من در اینجا پیشنهاد می کنم این است که این ارتباط بین عمل و پیامد در کتاب مقدس واقعا بزرگ است. به هر حال، ما کار زیادی با کتاب امثال انجام نخواهیم داد، اما اگر بخواهم کل کتاب امثال را خلاصه کنم، امثال تا حد زیادی به جوان می گوید که اعمال و شخصیت با عواقب مرتبط هستند. اعمال و شخصیت منجر به عواقبی می شود. بنابراین ما اکنون این مفهوم را می بینیم. عواقبی وجود دارد. آدم و حوا گناه می کنند، آنها بزرگسال هستند و عواقبی دارند. آنچه در اینجا اتفاق می افتد این است که بین خدا و انسان

عواقبی وجود دارد. انسان مخفی می شود. کجا پنهان می شود؟ او در بوته ها پنهان می شود. پس خدا راه می آید و می پرسد: "کجا هستی؟" گفتند: «شنیدم که در باغ قدم می زنی، و ترسیدم». توجه کنید که اکنون پاسخ انسان به خدا ترس است. اما به یاد داشته باشید که ترس از خدا چیست؟ حالا شما می گوئید، "اما ترس واقعا به معنای ترس نیست." اوه، واقعا؟ آیا این درست است؟ بنابراین ما باید یک بحث بزرگ در مورد معنای ترس از خدا داشته باشیم. این در راه است. اما در اینجا انسان در ترس و شرم پنهان شده است. بنابراین اتفاقی که می افتد این است که او می گوید، "من پنهان شدم چون برهنه بودم." خدا گفت، "چه کسی به تو گفت که برهنه هستی؟ آیا از درختی که به شما دستور دادم از آن نخورید خورده اید؟" مرد با شجاعت می گوید: "من این کار را کردم. من بودم. او را سرزنش نکنید. اشتباه بود. من لیاقت مردن را دارم، او را سرزنش نکنید." نه، باشه، این اولین مرد است، او می رود، این را بررسی کنید که خیلی رقت انگیز است، مرد به خدا گفت - "زنی که اینجا با من گذاشتی، میوه را به من داد و من از درخت خوردم." پس خدا چه می کند؟ "خداوند به زن می گوید: این چه کاری انجام داده ای؟" و زن می گوید، "نه من، نه من، مار بود!" پس خدا می گوید، "مار، بیا با تو شروع کنیم." بنابراین خدا از مرد به زن و در نهایت به مار حرکت می کند. سپس مار اولین نفرین را دریافت می کند. بگذارید به عقب برگردم تا همین الان این کار را تمام کنم. آنچه اکنون دارید جدایی بین خدا و قومش است. خدا با قومش در اینجا این مفهوم است. آیا می دانید این کلمه به چه معناست؟ "امانوئل." شما کلمه "ال" را در انتها می بینید، در زبان عبری به معنای "خدا" است. عمانوئیل به معنای "خدا با ما" است. اتفاقی که می افتد این است که خدا با آنها در باغ است، با آنها قدم می زند و با آنها صحبت می کند. خدا با قومش است، اما اکنون که آنها گناه کرده اند، جدایی وجود دارد که در آن انسان ها مخفی می شوند. پس چه اتفاقی می افتد؟ چیزی که در کتاب مقدس خواهید یافت این است که خدا اکنون به سراغ فرار می رود. به عبارت دیگر، اکنون خدای پنهان وجود دارد تا خدایی که با شما در باغ است. اکنون، خدا پنهان است. انسان از او پنهان شد. آیا کسی به یاد می آورد که وقتی شما خروج را می خوانید، آیا مردم خدا را روی کوه می بینند و کوه در کوه سینا می لرزد، مردم چه هستند؟ آیا آنها می گویند، "خدا خود را نشان بده،" یا می گویند، "بس است، عقب نشینی کنید." بنابراین خدا اساسا به این حالت پنهان در اطراف نوع بشر رفته است. به هر حال، بقیه کتاب مقدس چه می کنند؟ آیا بقیه کتاب مقدس از پیدایش فصل 1 تا 3 به ما می گوید که خدا چگونه به قوم خود باز می گردد؟ سپس عیسی، "او عیسی خوانده خواهد شد زیرا قوم خود را از گناهانش نجات خواهد داد." و او را چه می نامند؟ "عمانوئل" - خدا با ما. سپس عیسی برمی گردد، حالا روح در ما ساکن است. در نهایت، مسیح برمی گردد و ما را جمع می کند تا با او باشیم: "و بنابراین ما تا ابد با خداوند خواهیم بود."

بنابراین در نهایت تمام کتاب مقدس، همه آنها به زمانی اشاره می کنند که انسان ها برای حضور با خدا باز خواهند گشت. خدا به طور رستگاری جزئیات آنچه در پیدایش فصل 3 اتفاق افتاده است را بررسی می کند. در پیدایش 3 چه اتفاقی افتاد؟ بقیه کتاب مقدس این کار بزرگ رستگاری خدا است که خدا به وسیله آن قوم خود را

نجات می دهد. او به خیمه می آید. او کجا ساکن است؟ شما می گوئید، "هیلدبراند، شما از آن فصل های خیمه صرف نظر کردید تا ما آن را نخواندیم." در خیمه، خدا در میان قومش ساکن است. وقتی سلیمان معبد را می سازد، چه اتفاقی می افتد؟ شکوه شکینا، "ابر جلال"، نازل می شود و خدا با قومش ساکن می شود. با عیسی ما اکنون خدا را در جسم با قومش داریم. بنابراین بقیه کتاب مقدس این خدای فراری خواهد بود، پنهان که دوباره عمانوئیل می شود - خدا با قومش. این در نهایت ما را به سمت همیشه و برای همیشه با خدا می کشاند. آیا باغ عدن کتاب مقدس را آغاز می کند، اما آیا باغ عدن کتاب مقدس را نیز به پایان می رساند، جایی که ما در نهایت دوباره به حضور خدا بازمی گردیم؟ آیا این امید بزرگ است؟ آیا مسیحیان افراد امیدوار هستند؟ "اوه، همه چیز در دنیا اشتباه پیش می رود و این مکان منفجر می شود." سوال: آیا مسیحیان امیدوار هستند؟ بله، زیرا ما مشتاقانه منتظر روزی هستیم که برای همیشه با خدا زندگی کنیم و باغ عدن دوباره مورد بازبینی قرار گیرد. اینجا چه چیز دیگری اتفاق می افتد؟ آیا انسان تحت تأثیر گناه قرار می گیرد؟ ما می دانیم که انسان ها می میرند. کتاب مقدس چه می گوید: "مزد گناه مرگ است." بنابراین بیرون آمدن از گناهان باغ بشریت می میرد. آیا این تنها نوع بشر است که تحت تأثیر افتادن به گناه قرار گرفته است؟ کتاب مقدس می گوید، "نه، تمام طبیعت، تمام خلقت،" رومیان 8: 22 می گوید: "تمام خلقت در انتظار روز آینده رستگاری ناله می کنند." خود خلقت در انتظار وقوع این عمل بزرگ رستگاری خدا ناله می کند. خلقت چگونه ناله می کند؟ شما قحطی، سونامی، زلزله، طاعون، بیماری، سرطان و همه این چیزهای بد را دارید که اتفاق می افتد. طبیعت خود منتظر روز آینده است که همه چیز درست شود. آیا برخی از شما متوجه شده اید که اوضاع در جهان چقدر به هم ریخته است و آیا به اشتیاق برای درست شدن چیزها پی برده اید؟ روزی این موضوع درست خواهد شد و منطقی خواهد بود. همه چیزهایی که اشتباه هستند درست می شوند و ما مشتاق آن هستیم و ما همراه با خلقت برای آن ناله می کنیم. این همان چیزی است که این آیه در رومیان در مورد آن صحبت می کند: "تمام خلقت ناله می کنند و منتظر آن روز آینده رستگاری هستند."

چه اتفاقی برای مردم تا بدن ما می افتد؟ آنها از خاک می روند و سپس به مرگ باز می گردند. «از خاک هستی، به خاک باز خواهی گشت.» در بدن عوارض پرداخت می شود. به هر حال، وقتی عیسی از مردگان برمی خیزد، آیا فقط روح او از مردگان برمی خیزد؟ یا بدن و همه چیز را بالا می برد؟ او در بدن بالا می رود همانطور که با "انگشتت را در پهلوی من بگذار" و غیره و غیره مشهود است. آیا بدن ما بلند می شود؟ بله. ما از مردگان برمی خیزیم، از جمله بدنمان، همه ما. زن و مرد درگیری و سرزنش دارند. مرد شروع به سرزنش زن می کند، زن مرد را سرزنش می کند، اما در این زمینه مرد زن را سرزنش می کند. آیا آدام یک پسر ایستاده است؟ نه، آن مرد همسرش را سرزنش می کند. این حرکت خوبی است که بارها این کار را انجام داده ام. من آن مرد را مقصر نمی دانم (در واقع این کار را می کنم). بنابراین جنبش درگیری و سرزنش است. من می خواهم این موضوع را با آمدن در پشتی توسعه دهم.

E. نفرین های پیدایش 3: نفرین مار [23:30-18:11]

پس بیایید نفرین ها را مرور کنیم. ما با مار شروع می کنیم و از آنجا به سمت زن کار می کنیم. خدا چه می کند؟ آدم زن را سرزنش می کند و زن مار را سرزنش می کند. خدا با مار شروع می کند و سپس به سمت زن برمی گردد و در نهایت به مرد باز می گردد. مار می آید و خدا در فصل 14:3 به او می گوید، "پس خدا به مار گفت: "چون این کار را کرده ای، لعنت بر تو بر همه حیوانات و حیوانات وحشی بالاتر از خودت است. روی شکم خود می خزید و خاک می خورید." به هر حال، آیا بازی با این کلمه "گرد و غبار" وجود دارد؟ اسم آدم چیه؟ او را صدا می زنند/آدم چون اون از آدماه [گرد و غبار]. بنابراین اسمش "داستی" است. مار چه می خورد؟ غبار. آیا نمایشی روی این گرد و غبار وجود دارد؟ آیا آدم/داستی قرار است به گرد و غبار برگردد؟ این مرگ اوست. بنابراین یک چرخه در جریان است. صادقانه بگویم، آیا نام آدم واقعا "آدم" بود؟ متوجه می شوید که نام آدم به اندازه ای که من اینجا ایستاده ام آدم نبوده است. نام حوا حوا نبود. زبان عبری قبل از سال 2000 قبل از میلاد وجود نداشت. بنابراین نام آدم می توانست به زبان دیگری باشد. اما آیا نام او هنوز به معنای "داستی" است. معنای این نام احتمالا هنوز یکسان بود، اما زبان عبری قبل از سال 2000 قبل از میلاد وجود نداشت. بنابراین باید مراقب باشید. آیا نام آن مرد واقعا پیتراست یا وقتی بین زبان ها می روید چیز دیگری است. نام عیسی چگونه تلفظ می شد؟ نام عیسی تلفظ می شود به سوس به یونانی. حالا نام عیسی در زبان عبری این خواهد بود، ببینید آیا این نام را می شناسید: "یوشع". اسمش بود یهوشع، آیا می توانید صدای جاشوا را بشنوید؟ به معنای «یهوه نجات می دهد» است. او "عیسی مسیح" نامیده می شود زیرا قوم خود را از گناهان آنها نجات خواهد داد. معنی نام او را می گیرد، حتی اگر جاشوا باشد، و در یونانی به عنوان "یهسوس" می آید. بنابراین تغییر نام بین زبان ها وجود دارد.

بیایید به مار برگردیم. مار گرد و غبار می خورد. پیدایش فصل 3 آیه 15 یکی از آیات واقعا مهم کتاب مقدس است. این یک آیه واقعا مهم است. برخی از بحث و جدل ها در مورد تاریخ و سن زمین، همانطور که متوجه می شوید، این سوالات چندان مهم نیستند زیرا کتاب مقدس واقعا نمی گوید. اما پیدایش 3: 15 چیزهای بسیار جالبی می گوید. خدا به مار می گوید: "بسیار خوب، مار، تو روی شکم خود حرکت می کنی و خاک می خوری." همچنین می گوید: «من بین تو و زن، بین فرزندان تو و فرزندان او دشمنی خواهم کرد. او [این "او" کیست؟] سر شما را خرد خواهد کرد." چه کسی سر مار را خرد خواهد کرد؟ هنوز پیش عیسی نروید. چه کسی در متن اینجا این "او" در این زمینه است؟ این فرزندان زن است. "من دشمنی بین شما و زن بین فرزندان شما قرار خواهم داد، پسران شیطان، و فرزندان زن. فرزندان زن سر شما را خرد خواهد کرد، و مار پاشنه خود را ضربه. بنابراین، چیزی که شما در این متن دارید این "پروتو انجیل" است. پروتو به معنای "اول" است. بنابراین پروتو انجیل به معنای "اولین انجیل" است. بنابراین آنچه خدا در این اولین نفرین بر شیطان و مار می گوید، او می گوید که از طریق ذریت زن و ذریت مار خواهد بود که دشمنی وجود خواهد داشت، درگیری در آنجا

وجود خواهد داشت. ذریت زن، یکی از نوادگان زن، سر مار را خرد خواهد کرد. کیست که می آید تا سر مار را خرد کند؟ این عیسی خواهد بود که این کار را انجام می دهد. برخی از مردم این را به عنوان اولین پیام انجیل می دانند که می گویند از طریق این زن، امید این است که مار شکست بخورد، که فرزندان شیطان شکست خواهند خورد. از طریق بذر زن است که این اتفاق می افتد. این بدان معناست که پس امید وجود دارد. درست از اولین نفرین، این امید وجود دارد که شیطان پیروز نشود، مرگ و خاک پیروز نشوند، بلکه ذریت زن سر او را خرد کند. پس در اینجا در این نفرین بر مار و شیطان امید وجود دارد.

F. نفرین بر زن [45:56-23:31]

به سراغ زن می رویم. «او به زن گفت، من دردهای تو را در باروری بسیار بیشتر خواهم کرد و با درد بچه دار خواهی شد.» من این را از طریق تجربه شخصی نمی دانم، اما شاهد آن بوده ام. این یکی از شسته و رفته ترین چیزهای زندگی من بود. من چهار فرزند و یک نوه دارم و شاهد تولد هر چهار فرزندم بوده ام. آیا در بچه دار شدن درد وجود دارد؟ بله. در مورد آخرین فرزند، کسی که در مورد آن به شما گفتم، الیوت، که به تفنگداران دریایی [پیاده نظام] رفت. وقتی الیوت به دنیا آمد، واقعا به موقع نیامد. بنابراین ما آنجا هستیم. من بالای سر همسرم هستم و شما این کار را انجام می دهید. این واقعا چیزهای قدیمی است. بنابراین من روال تنفس را شروع می کنم. پرستار آن پایین است. دارم فکر می کنم، دکتر کجاست؟ دکتر اینجا نیست. پرستار به من نگاه می کند و می گوید: "هی، تو پزشک هستی، اینطور نیست؟ من اینجا به کمک نیاز دارم." گفتم: "خانم، من یک پزشک هستم اما از آن نوع پزشک نیستم. من نفس می کشم. من می توانم این کار را واقعا خوب انجام دهم." من شروع به بهانه آوردن همه این بهانه ها می کنم، واقعا عصبی می شوم. اگر او از من بخواهد که به آنجا بروم، غش می کنم. من این پایان را در اینجا انجام می دهم، من آن پایان را در آنجا انجام نمی دهم. او می گوید: "همین الان به اینجا برو پایین. بچه می آید، همین الان به کمک نیاز دارم." هیچ دکتری وجود ندارد. گاو مقدس، من بیهوش نشدم. من به تحویل الیوت کمک کردم و شاید این چیزی است که او را اشتباه می کند. این هم روی نوار است. متاسفم الیوت. اما در واقع من به الیوت، چهارمین فرزندمان کمک کردم. او خوب بود. نیم ساعت بعد دکتر با تبختر به آنجا می آید و می گوید: "کجا بودی؟" آیا می دانید چه چیزی بدتر بود؟ آن شخص 1200-1500 دلار از من دریافت کرد و من می گویم یک دقیقه صبر کنید من بچه را به دنیا آوردم من می خواهم برای شما یک بیل بفرستم رفیق. در واقع او یک دوست شخصی و یک پزشک خوب است، اما نیم ساعت دیر حاضر شد، یک مشکل بود. با این به کجا می روید؟ بنابراین همسرم آنجاست. من یک مسیحی هستم و کتاب مقدس می گوید "او در بچه دار شدن درد خواهد داشت." بنابراین نکته من اینجاست. اگر بگویم، "همسرم باید در بچه دار شدن درد بکشد زیرا او یک مسیحی است و کتاب مقدس می گوید که او در بچه دار شدن درد خواهد داشت،" اشکالی ندارد؟ این مسخره است. آیا ما با نفرین مبارزه می کنیم؟ بله. ما به او بیهوشی می دهیم تا با نفرین مبارزه کند. بچه ها، ما به سمت مرگ می رویم، چه می گوئیم؟ "خدا ما را نفرین کرد که بمیریم، بنابراین ما باید تسلیم شویم."

نه، ما با نفرین مبارزه می کنیم. بنابراین، ما با نفرین مبارزه می کنیم. زن در باروری درد خواهد داشت، آیا به او بیهوشی می دهید، آیا با نفرین مبارزه می کنید؟ بله، شما انجام می دهید. شما با نفرین مبارزه می کنید. شما با نفرین مبارزه می کنید، به همین دلیل است که خدا رد ساکس را دوست دارد. بچه ها، اگر ازدواج کردید، مطمئن شوید که در زمان تولد فرزندان خود هستید زیرا این شگفت انگیزترین چیز در زندگی شما خواهد بود. برای همسران نیز واقعا مهم است.

بنابراین درد او وجود دارد و چیز دیگری در اینجا اتفاق می افتد و این واقعا مشکل است. ما با نفرین مبارزه می کنیم و به این گوش می دهیم. پیدایش 3.16 به چه معناست؟ این می گوید: «آرزوی تو برای شوهرت خواهد بود [این بخشی از نفرین زن است] و او بر تو حکومت خواهد کرد». این بخشی از نفرین زن است. "میل زن" چیست؟ "زن شوهرش را می خواهد، اما او بر او حکومت خواهد کرد." بنابراین سوال بزرگ در این آیه بسیار پیچیده این است که "میل زن" چیست؟ پیدایش 3.16 به چه معناست؟ حالا اول از همه، او از نظر جنسی به شوهرش میل می کند و او می گوید "بازگشت، بازگشت" و ترمز می کند. فقط می خواهم بگویم که واقع بینانه نیست. این چیزی نیست که معمولا در ازدواج اتفاق می افتد و من 36 سال ازدواج دارم. آیا این بدان معناست که او از نظر جنسی شوهرش را میل می کند؟ این معمولا چیزی نیست که در ازدواج اتفاق می افتد، حداقل از تجربه من. افراد دیگر پیشنهاد می کنند که آرزوی او برای شوهرش خواهد بود، یعنی او می خواهد مطیع شوهرش باشد و او بر او حکومت کند. من با یکی از زیباترین زنان جهان ازدواج کرده ام. او به طرز شگفت انگیزی مهربان، دلسوز و مهربان است. تمایل او به مطیع شوهرش است. بله، درسته. بنابراین من واقعیت آن را زیر سوال می برم. برای فارغ التحصیلی از کالج گوردون باید ویولن زن روی پشت بام را ببینید. اگر این کار را نکنید، دکتر ویلسون در راه خروج با آن تفنگ بادی به شما حمله می کند. شما باید ویولن زن روی پشت بام را ببینید. این فقط یک چیز هیلدبرانت است و من در اینجا چیز زیادی به حساب نمی آورم. فیلمی وجود دارد که فکر می کنم واقعا قابل توجه است. من یونانی را هم در کنار آن تدریس می کنم. نام آن "عروسی یونانی چاق بزرگ من" است. مشروع است. من دوستی دارم که کاملا یونانی است و او گفت که آن فیلم آن را به "T" توصیف می کند. شوهر وارد می شود، "شوهر سرپرست خانواده است." و دو زن در کنار هستند. متاسفانه من و همسرم با هم آن را تماشا می کردیم. شوهر وارد می شود، "شوهر رئیس خانه است." همسر برمی گردد و او یک زن جوان تر دارد که سعی می کند او را راهنمایی کند. و او می گوید: "بله، عزیزم، شوهر رئیس خانه است." سپس به سمت دختر برمی گردد و می گوید: «بله، شوهر رئیس خانه است اما زن گردن است و سر را به هر کجا که می خواهد می چرخاند». به همسرم نگاه می کنم و تمام شده است که چه می توانم بگویم. حقیقتی در آن وجود دارد. بنابراین این ایده که این یک نفرین است که زن می خواهد مطیع باشد نیز مناسب نیست. بنابراین، این گزینه دوم برای معنای زن که شوهرش را می خواهد نیز احتمالا چندان محتمل نیست. زنی از مدرسه الهیات وست مینستر بود که مقاله ای در مورد معنای "میل زن" نوشت و به طرز درخشانی متوجه شد که دقیقا

همان عبارت ادبی در پیدایش ۴: ۷ استفاده شده است. اکنون کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که در مورد این نظر نظر دهم: چگونه متن‌هایی را که دشوار هستند تفسیر کنیم؟ آرزوی زن چیست؟ این متن دشواری است. هرمنوتیک روشی است که شما کتاب مقدس را تفسیر می‌کنید. اگر یک متن دارید که معنای آن را می‌دانید، باید از شناخته شده به ناشناخته کار کنید. اگر نمی‌دانید چیزی چیست، باید به مکان‌های دیگری نگاه کنید که ممکن است واضح‌تر باشد، و واضح‌تر را روی آن‌ها قرار دهید. این یک روش است. بنابراین او به فصل 4.7 نگاه کرد، این داستان قائن و ابیل است. این دقیقاً همان ساختار است. خدا نزد قائن می‌آید و این را می‌گوید، "و اگر آنچه را که درست است انجام دهی، قائن، آیا پذیرفته نمی‌شوید؟ اما اگر کار درست را انجام ندهید، گناه پشت در خم شده است. [گناه] می‌خواهد شما [قابیل] را داشته باشد، اما شما باید بر آن حکومت کنید." آیا این کاملاً واضح است؟ گناه مانند شیری که آماده است قائن را ببلعد، جلوی در خم شده است، اما باید آن را در جای خود نگه دارد؟ آیا گناه بر قائن مسلط است؟ بله، او برادرش را کشت. این در مورد رابطه زن و مرد چه می‌گوید؟ "آرزوی او برای شوهرش خواهد بود،" همانطور که گناه می‌خواهد بر قائن غلبه کند، بنابراین زن می‌خواهد بر شوهرش غلبه کند. سپس شوهر باید بر او حکومت کند. بنابراین چیزی که شما دارید این است که یک جنگ قدرت و درگیری در ازدواج وجود دارد و این بخشی از نفرین است. آیا با نفرین مبارزه می‌کنید یا تسلیم آن می‌شوید؟ آیا شما به سادگی این را می‌پذیرید یا با نفرین مبارزه می‌کنید. من می‌خواهم در مورد چگونگی مبارزه با این موضوع بحث کنم. آیا قرار است جنگ قدرت در ازدواج وجود داشته باشد؟ من مدتی است که در اطراف هستم و ازدواج‌های زیادی را دیده‌ام. دخترم به تازگی ازدواج کرد، آخر هفته روز کارگر، من به او هاپو رفتم و سپس دوشنبه برگشتم، به همین دلیل در کلاس بسیار خسته بودم. دخترم با مردی ازدواج کرد که وکیل است، وکیل دانشگاه شیکاگو. آیا او در ازدواج خود با دختر من بحث می‌کند؟ آیا او از استدلال‌های منطقی درست مانند استدلال در دادگاه استفاده می‌کند؟ مشکل این است که دختر من بسیار باهوش‌تر و باهوش‌تر از پدرش است. آیا او با او بحث می‌کند؟ آنها وارد این بحث فزاینده می‌شوند. او آن را بالا می‌برد زیرا نمی‌خواهد پرونده را ببازد. اگر وکیل هستید، باید بدانید چه زمانی باید آرام شوید. بنابراین او این استدلال‌ها را به کار می‌برد. اما مشکل چیست، دخترم هرگز نمی‌بازد. بنابراین او بحث را بالا می‌برد. او بحث را بالا می‌برد. خیلی زود دعا می‌کنم که همدیگر را نکشند. او نمی‌داند چه زمانی باید عقب‌نشینی کند. بنابراین آنها واقعا به آن می‌رفتند. این قتل بود. این واقعا قتل نبود. این چیزی است که من نگران آن بودم. راستش را بخواهید، من خطابه‌های زیادی و در عروسی‌های دخترم موعظه کرده‌ام. یکی از مهمترین چیزها: شما می‌گویید "من فقط او را دوست دارم، من فقط او را می‌پرستم." پس از حدود یک هفته ازدواج همه چیز از بین رفته است. آیا یادگیری نحوه دعوا در ازدواج یکی از مهم‌ترین کارهایی است که می‌توانید انجام دهید؟ کارهای خاصی وجود دارد که زشت و کثیف هستند که نباید انجام دهید. بنابراین باید یاد بگیرید که چگونه تعارض را حل کنید. شما باید بدانید که چه زمانی باید عقب‌نشینی کنید و باید بدانید که چه زمانی باید به جلو شارژ کنید. به عبارت دیگر، این رقص

وجود دارد که شما انجام می دهید و باید یاد بگیرید که چگونه برقصید. بسیاری از آن ها با درگیری سروکار دارند. شما می گوئید، "نه، نه، ما درگیری نخواهیم داشت، من او را خیلی دوست دارم." همین الان به شما می گویم. در واقع این وحشتناک است. اما به بچه هایم گفتیم. با او دعوا کنید. دریابید که او چگونه می جنگد. شما می گوئید که واقعا وحشتناک است، احتمالا توصیه بدی است، اما... بنابراین چیزی که من می گویم این است که درگیری در ازدواج وجود خواهد داشت.

بیابید به روابط زن و مرد در کتاب مقدس نگاه کنیم. این بحث بزرگ نیست، ما منتظر می مانیم تا داوران بحث بزرگ را انجام دهند، اما من فقط می خواهم آن را در اینجا معرفی کنم. برخی می گویند که زن باید "یاور" مرد باشد. از این رو او مطیع یا پایین تر از مرد تلقی می شد، بسیار شبیه برقکار و یاور برقکار. برقکار معامله اصلی است. کمک این است که برای گرفتن پیچ گوشتی یا هر چیز دیگری می دود. بنابراین، حوا به عنوان یاور در نظر گرفته می شد و به دلیل این کلمه "یاور" نسبت به مرد در درجه دوم قرار داشت. در زبان عبری، این است/تزر. شما این کلمه را می دانید اما نمی دانید که آن را می دانید. حدس بزنید چه کسی نامیده می شود/تزر، علاوه بر حوا؟ به سرود قدیمی فکر کنید، "خدایا کمک ما در اعصار گذشته، امید ما برای سال های آینده." هیچ دیگر این آهنگ ها را نمی شناسد. این خدا است که "یاور" نامیده می شود. این کلمه از Ebenezer آمده است. /بین به معنای "سنگ" است. /یزر به معنای "کمک" است. به معنای "سنگ کمک" است. خود خدا خود را می نامد/تزر، اما شما نمی توانید بگوئید که او مانند روشی که حوا یک یاور بود، یک یاور بود. او به معنای نجات دهنده یا کسی است که ما را نجات می دهد. بنابراین، شما نمی توانید از این واقعیت استفاده کنید که حوا اینجا است زیرا در این صورت خدا نیز باید مطیع باشد، که ما می دانیم که او نیست. بنابراین این استدلال کار نمی کند. در اینجا یک بحث دیگر وجود دارد. آدم حوا را و آدم حیوانات را نامگذاری کرد، و این نشان می دهد که او "پادشاه" است. این نامگذاری سلطه او بر حیوانات را نشان می دهد، و بنابراین او بر او تسلط دارد زیرا او را نامگذاری می کند. اما در فصل های اول و دوم، نام حوا ذکر نشده است. فقط می گوید که خدا آنها را مرد و زن آفرید. نام او آدم است اما نام او ذکر نشده است. نام او برای اولین بار زمانی ظاهر می شود که به آدم گفته می شود: "گرد و غبار تو هستی و به خاک برمی گردی." درست پس از اینکه به او گفته شد که خواهد مرد، در آن لحظه به همسرش روی می آورد و نام او را می برد. "تو زن مرگ، زن را نفرین می کنی." او، ببخشید. آیا این کاری است که آدم انجام می دهد؟ زمان بندی در اینجا بسیار مهم است، او بلافاصله پس از دریافت نفرین نام او را می برد. در فصل 3: 20، "آدم نام همسرش را گذاشت هاوا." همه شما بچه ها می دانید هاوا/ ما قبلا این کار را انجام دادیم/هایم، به زندگی. او او را "زنده" می نامد، مادر همه زندگان. او او را به عنوان یک نفرین نمی بیند، بلکه از طریق او، او مادر همه زنده ها است. از طریق این زن است که فرزندی که سر مار را خرد می کند متولد می شود. او به همسرش نگاه می کند و مادر همه زنده ها را می بیند. آیا او تسلط خود را در نامگذاری او نشان می دهد یا شخصیت و سرنوشت او را می شناسد؟ او شخصیت او را می شناسد و من اینجا بیشتر از شخصیت او

را دوست دارم، سرنوشت او. یعنی از طریق او، بذری می آید که سر مار را کبود می کند. این زیباست زیرا او از این طریق به او احترام می گذارد، به خصوص که به او گفته شده است: "آدام، تو مردی، تو به خاک برمی گردی." در حوا، این امید ابراز می شود که روزی این وضعیت تغییر کند و او این را در همسرش می بیند. آنجا گذرگاه زیبایی است.

پس در مورد برخی از جاهای دیگر کتاب مقدس چطور؟ در عهد جدید، بیایید فقط دو آیه در عهد جدید انجام دهیم و سپس به عهد عتیق برمی گردیم. در غلاطیان "بنابر این شریعت مسئول شد تا ما را به سوی مسیح هدایت کند." سپس در غلاطیان 3: 28، در کلیسای مسیح، "نه یهودی وجود دارد و نه یونانی (در عهد عتیق یهودی بودن بهتر بود زیرا آنها وعده های خدا را داشتند، غیریهودیان بیگانه بودند)، نه برده و نه آزاد (در مسیح ما برادران و خواهران در مسیح هستیم، چه ثروتمند و چه فقیر)، مرد و نه زن... همه شما در مسیح عیسی یکی هستید." هیچ اشاره ای به این ساختار قدرت وجود ندارد. در افسسیان 5: 22 آیه ای است که من با آن بزرگ شدم. پدرم با مدل یونانی آنجا مطابقت داشت. اغلب در کلیسایی که در آن بزرگ شدم موعظه می شد، "زنان مانند خداوند از شوهران خود اطاعت کنید." در تمام زندگی ام این را به من آموختند. "همسران تسلیم شوهرت می شوند." من الان شوهر هستم. خیلی خوب پیش نرفت. نه، حقیقت این است که واقعا خوب پیش رفت، همسرم فردی بسیار مطیع بود. او چیزهای زیادی به من آموخت. من سعی می کنم آنچه را که او به من آموخته است به شما بیاموزم. این بحث دیگری است. داستان های دیگری در این مورد وجود دارد. او باعث درگیری نشد. او گردنی بود که سر را چرخاند. سر فکر کرد که او سر است اما بعد گردن سر را برگرداند. اما چیزی که برای من جالب است این است که همانطور که سعی کردم در این کلاس به شما آموزش دهم، وقتی کتاب مقدس را تفسیر می کنید، چگونه معنای کلمات را تفسیر می کنید؟ چهار چوب. زمینه معنا را تعیین می کند. وقتی در افسسیان 5.22 هستید، آیا پیشنهاد می کنید که 5.21 نسبتا نزدیک به زمینه است؟ کاملا. چطور وقتی جوان تر بودم به ندرت خطابه ای در مورد افسسیان 5: 21 می شنیدم. این آیه قبلی است. می گوید، "از روی احترام به مسیح تسلیم یکدیگر شوید." آیا زن باید تسلیم شوهر شود؟ بله. در اینجا می گوید که آنها باید تسلیم یکدیگر شوند. آیا شوهر باید تسلیم همسرش شود؟ بله. بنابر این سوال این است که آیا همسرم به من خدمت می کند؟ آیا می بینید که چقدر خودخواهانه و خودشیفته است؟ سوال این است که چگونه به همسرم خدمت کنم؟ سوال او این است: چگونه به شوهرم خدمت کنم؟

سوال باید این باشد که چگونه باید به همسرم خدمت کنم؟ پس با توجه به این موضوع چه اتفاقی برای جنگ قدرت می افتد؟ شما با رها کردن قدرت با نفرین مبارزه می کنید نه با گرفتن قدرت. مدل من کیست؟ آیا کسی در اینجا برادران گریس است؟ عیسی پایین آمد، "من پادشاه جهان هستم، تعظیم کن و مرا پرستش کن. من پادشاه جهان هستم. من و پدر یکی هستیم. شما بچه ها خدمتکار هستید، من پادشاه جهان هستم." نه. عیسی شاگردان را می کشد و آنها می خواهند شام بخورند و او می گوید: "کفش هایتان را در بیاورید." اگر شما برادران

گریس هستید، آنها هنوز هم این کار را تا به امروز انجام می دهند. پس عیسی چه می کند؟ او پاهای آنها را می شوید. آیا جنگ قدرت به پایان رسیده است؟ اینجا پادشاه جهان است که پایین می آید و پاهای شاگردانش را می شوید. جنگ قدرت؟ نه، او قدرت خود را رها می کند و وقتی پاهای شاگردان را می شوید واقعا پادشاه می شود. آیا این رهبری است؟ به خاطر چنین اعمالی بود که شاگردان حاضر شدند بیرون بروند و برای مسیح بمیرند. چیزی که من می گویم این است که در مورد این آیه در اینجا مراقب باشید. مراقب قدرت گرفتن در درگیری های ازدواج باشید. وقتی برای اولین بار ازدواج کردم، فردی بسیار ناامن بودم که در ابتدا قدرت را به دست آوردم، اما آنچه پیشنهاد می کنم این است که مانند مسیح باشم و یاد بگیرم که چگونه از آن دست بکشم. بنابراین قدرت ناشی از درگیری نیست، اتفاقی که می افتد این است: چگونه می توانم به او خدمت کنم؟ آیا اینگونه با نفرین مبارزه می کنید؟ نفرین این است که این جنگ قدرت وجود خواهد داشت، این درگیری در ازدواج وجود خواهد داشت. راه حل این است که با آن مبارزه کنیم نه با گرفتن قدرت، بلکه با خدمت به دیگری.

غلامرضا نفرین بر مرد [52:59-45:57]

حالا بیایید به نفرین انسان نگاه کنیم. انسان باید با نفرین خود روبرو شود. آیا کار نفرین است؟ در پیدایش فصل 3، "او به آدم گفت، چون به همسرت گوش دادی و از درختی که به تو امر کردم از آن نخوری، خوردی، لعنت بر زمین به خاطر تو. با زحمت دردناک تمام روزهای زندگی خود از آن خواهید خورد. برای شما خار و خار تولید می کند و گیاهان مزرعه را خواهید خورد. با عرق پیشانی خود غذا خواهید خورد تا به زمین برگردید." آیا کار نفرین است؟ شما می گویید، "بله، کار یک نفرین است." نه، به قبل از سقوط برگردیم، زمانی که آدم و حوا قبل از اینکه وسوسه ای رخ دهد، در باغ بودند، آیا به آدم وظیفه ای داده شده بود که انجام دهد؟ آیا آدم باید از باغ مراقبت می کرد و در باغ کار می کرد؟ آیا آدم و حوا قبل از پاییز در باغ کار می کردند؟ بله. کار نفرین نیست. نفرین بیهودگی کار است. آیا تا به حال برای چیزی کار کرده اید و سپس از هم پاشیدن آن را تماشا کرده اید؟ یک آهنگ کانتری فوق العاده وجود دارد که می گوید: "به هر حال این کار را انجام دهید." او می گوید: "من بیرون می روم و آهنگی می خوانم که روز بعد هیچ به یاد نمی آورد، اما به هر حال این کار را انجام می دهم." من فکر می کنم زندگی زیادی از این دست وجود دارد که به هر حال باید آن را انجام دهید. شما می توانید برای چیزی واقعا سخت کار کنید و سپس از هم پاشیدن آن را تماشا کنید. بیهودگی کار؛ آیا برخی از شما این بیهودگی را می دانید؟ وقتی اتفاق می افتد ویرانگر است، وقتی قلب و روح خود را در چیزی قرار می دهید و سپس باید شاهد از هم پاشیدن آن باشید. این بیهودگی کار است که مشکل است. برخی از شما می پرسید، "من می خواهم با زندگی ام چه کار کنم؟" چیزی که می خواهم پیشنهاد کنم این است که شما نوعی شغل پیدا کنید - آیا افرادی را دیده اید که هر روز از ساعت 9 تا 5 کار می کنند و از کار خود متنفرند؟ آنها نمی توانند صبر کنند تا ساعت 5 از سر کار خارج شوند. این برای آنها آزادی است. آخر هفته ها، دیگر مجبور نیستیم کار کنیم، فقط از آن شغل متنفرم. آنها مهمانی می گیرند زیرا می دانند که روز دوشنبه باید به سر کار برگردند. آیا برخی از

مردم در این وجود زندگی می کنند؟ برادر من معاون رئیس بوفالو در یک سیستم بزرگ مترو است، و ما بحث بزرگی داشتیم زیرا اکنون هر دو پیرمرد هستیم. ما به زندگی نگاه کردیم. حالا من عاشق کاری هستم که اینجا در کالج گوردون انجام می دهم. این بهترین کاری است که می توانم در زندگی ام انجام دهم و خدا مرا برای انجام این کار فراخوانده است. من هر روز ساعت 5.00 یا 5.30 از خواب بیدار می شوم تا روی چیزها کار کنم، و سپس بعد از این کلاس روی ویرایش این ویدیو تا حدود نیمه شب کار می کنم تا فردا صبح برای شما بیدار شود. من عاشق کاری هستم که انجام می دهم. برادرم می گوید: "من از کاری که انجام می دهم متنفرم. من نمی توانم صبر کنم تا بازنشسته شوم." چیزی که من می گویم این است: آیا ممکن است شما بچه ها کاری را پیدا کنید که دوست دارید انجام دهید؟ بله، یک همگرایی در حرفه شما وجود دارد و اشتیاق شما وقتی این اتفاق می افتد، هم افزایی وجود دارد. بنابراین، توصیه می کنم همگرایی اشتیاق و حرفه خود را پیدا کنید و به دنبال آن بروید.

بنابراین، کار بیهوده مشکل است و همه ما را آزار می دهد. انسان با گرد و غبار دست و پنجه نرم می کند. اساساً، همه ما گرد و غبار می شویم - تا بمیریم. برخی از شما می دانید که مرگ چگونه است زیرا برخی از شما پدران و مادران خود را ترک کرده اید. تماشای آن سخت است. چند سال پیش پدرم بر اثر سرطان درگذشت و من مجبور شدم در تمام این مراحل به او کمک کنم. وحشتناک بود. برخی دیگر از شما دوستانی داشته اید که در تصادفات رانندگی کشته شده اند... پدران، مادران، پدربزرگ ها و مادربزرگ ها و دوستانی که فوت کرده اند. آیا مرگ یک مشکل است؟ مرگ یک مشکل بزرگ است. من از مرگ متنفرم. من از کاری که سلطان با پدرم کرد متنفرم. من از آن متنفرم. اما چیزی که می خواهم بگویم این است که وقتی عیسی نازل می شود، چه می کند؟ مثل این است که عیسی به زمین بیاید و بگوید، "شما بچه ها، بدترین مشکل شما چیست؟" مشکل بزرگ چیست؟ این بیهودگی در کار نیست، بلکه مرگ است. عیسی گفت، "بزرگترین مشکل خود را بیاورید و این را تماشا کنید؟ من با انجام چه کاری بر مرگ غلبه خواهم کرد؟ من می خواهم با مردن بر مرگ غلبه کنم. من می میرم و سپس از مردگان برمی خیزم." آیا ما به عنوان مسیحیان امیدی فراتر از قبر داریم؟ آیا مرگ پاسخ نهایی است؟ مرگ پایان این کار نیست. بنابراین ما مسیحیان به عیسی نگاه می کنیم. عیسی از مردگان برخاست. عیسی می گوید که وقتی او برگردد، وقتی او را ببینیم و مانند او خواهیم بود، زیرا او را همانطور که هست خواهیم دید. روزی حتی پدرم هم برمی خیزد. من همیشه تعجب می کنم که وقتی من این کلاس را تدریس می کنم به چه چیزی فکر می کند. او احتمالاً آنجا است و می خندد. روزی پدرم دوباره برخواهد خاست و ما برای همیشه با خداوند خواهیم بود. این چه مفهومی است؟ این مفهوم امانوئل است که در آن ما برای همیشه و برای همیشه با خدا به باغ بازگشته ایم. بنابراین کتاب مقدس از این طریق شروع می شود و کتاب مقدس به این ترتیب به پایان می رسد که ما در بدن خود نزد خدا باز می گردیم، زنده از مردگان مانند عیسی تا ابد با او زندگی کنیم. این یک داستان زیبا است. این بهترین است. مرگ پیروز نیست، عیسی آن را از بین برد. این خبر

خوب است. بله، انسان مبارزه خواهد کرد، همه ما خواهیم مرد. من زمان کمتری نسبت به بسیاری از شما بچه ها دارم، اما اشکالی ندارد.

اکنون می خواهیم کمی سریعتر حرکت کنیم. پیدایش فصل 1 تا 3 بقیه کتاب مقدس را تنظیم می کند. به همین دلیل است که من زمان زیادی را صرف آن کرده ام. گزارش های خلقت و باغ بقیه کتاب مقدس را تنظیم می کنند که کار رستگاری خدا برای بازگرداندن ما به خودش است. شما این را در کتاب خروج دیده اید. آیا رستگاری را در آنجا دیدید؟ اسرائیل در مصر به بردگی گرفته شد و خدا چه کرد؟ او پایین آمد و بردگانش را آزاد کرد، آنها را گرفت و قانون خود را به آنها داد. او آنها را در سرزمین خود آزاد کرد. بنابراین خدا قوم خود را از مصر نجات می دهد و او می خواهد قوم خود را از اسارت در بابل آزاد کند و آنها را بازگرداند. در عیسی، او ما را به خودش باز می گرداند. در نهایت، روزی برای همیشه چهره به چهره خواهد بود. بنابراین اینجاست که همه چیز در حال حرکت است. بنابراین پیدایش فصل 1 تا 3 آن را تنظیم می کند و پس از آن شما حرکت رستگاری خدا را دارید که قومش را بارها و بارها نجات می دهد. آیا قوم او همیشه می گویند، "آه، اکنون خدا ما را نجات می دهد و ما تا ابد به شما خدمت خواهیم کرد؟" قوم او چه می کنند؟ او به آنها من می دهد، آنها چه می کنند؟ مثل غذای لین است، "من از این خسته شده ام. همیشه یک غذا." بسیاری از ما که در محوطه دانشگاه زندگی نمی کنیم می گوئیم که این واقعا خوب خواهد بود زیرا امشب باید به خانه بروم و مرغ و کلم بروکلی بپزم. بعد از مدتی طولانی می شود که مجبور به آشپزی هستید و نمی توانید آشپزی کنید.

ج. قائن و هابیل [61:29-53:00]

حالا بیایید به سراغ داستان قابیل و ایبل برویم. این اولین گزارش از قتل در کتاب مقدس است. قائن قصد دارد هابیل را بکشد. چه کسی پیشکش گوشت را ارائه می دهد، هابیل یا قابیل؟ هابیل نذر گوشت را انجام می دهد. آیا قربانی گوشت با ریختن خون خواهد بود؟ قربانی گوشت با ریختن خون است. وقتی می گویم پیشکش غلات، مشکل پیشکش غلات چیست؟ من در مورد Cheerios صحبت نمی کنم. وقتی در مورد غلات در خاور نزدیک باستان صحبت می کنید، اساساً گندم و جو است. به هر حال، آیا قائن محصولات زمین، گندم و جو را ارائه می دهد؟ بله. کدام یک نزد خدا قابل قبول بود؟ پیشنهاد هابیل قابل قبول بود. وقتی بزرگ شدم، مردم می گفتند دلیل اینکه هابیل قابل قبول است این است که قربانی خون بود. "بدون ریختن خون، آمرزش گناه وجود ندارد." هدیه هابیل پذیرفته شد زیرا ریختن خون بود و بنابراین قربانی قابل قبولی بود. در حالی که قربانی قائن یک قربانی خونریزی نبود. بنابراین او قابل قبول نبود. قبیل خون نریخت، بلکه غلات و غلات بود. اما قین رد نشد زیرا قربانی خون نبود. آیا این دلیل واقعی این است که چرا خدا قربانی ایبل را پذیرفت و قربانی قائن را رد کرد؟ پاسخ این است: "نه." آیا خدا به اسرائیل دستور داد که هدایای غلات را تقدیم کنند؟ بله، او در لاویان فصل 2 این کار را کرد. وقتی به لاویان فصل 2 می روید، خدا به اسرائیل دستور می دهد که غلات خود را که اولین میوه های برداشت آنها است، تقدیم کنند. غلات قربانی های مشروع برای خدا بودند. مشکل قائن در مطالبی نبود که ارائه می داد. آیا قائن نسبت به برادرش قلب بد و نفرت داشت؟ مسئله قلب او بود، نه چیزهایی که او ارائه می داد. پس گمراه نشوید زیرا خدا به آنها گفته بود که هدایای غلات را تقدیم کنند. او می گوید که هابیل بهترین را پیشنهاد کرد. من می خواهم به آن اعتراض کنم زیرا جرم را به قربانی منتقل می کند در حالی که در خود قربانی نبود، بلکه قلب کسی بود که قربانی را می آورد. در سراسر کتاب مقدس این بیشتر از جزئیات هدیه است. بنابراین، من فکر می کنم که وقتی سعی می کنیم آن را به نوع پیشنهاد برسانیم، گمراه می شویم. من فکر می کنم این نکته را از دست می دهد. خدا در بسیاری از جاها می گوید، "من رحمت می خواهم و نه فداکاری." بنابراین مشکل این است که گاهی اوقات ما روی فداکاری تمرکز می کنیم و متوجه نمی شویم که آنچه او واقعا می خواهد رحمت، عدالت و عدالت است - این چیزی است که او روی آن تمرکز کرده است. بنابراین خدا نزد قائن می آید و می گوید: "قابیل، اگر این کار را بکنی وضعیت بدی داری." قائن به برادرش هابیل گفت: «بیا به مزرعه برویم.» در حالی که آنها در مزرعه بودند، قائن به برادرش هابیل حمله کرد و او را کشت. خداوند به قائن گفت: «برادرت هابیل کجاست؟» او گفت: "نمی دانم." سپس او این خط کلاسیک را می سازد. این یک خط کلاسیک است که همه شما باید بدانید: "آیا من نگهبان برادرم هستم؟" این یک خط کلاسیک در کتاب مقدس است. قائن به خدا گفت: «آیا من نگهبان برادرم هستم؟» پاسخی که او به خدا پیشنهاد می کرد چه بود؟ قائن فکر کرد که پاسخ این بود: نه، من نگهبان برادرم نیستم. این همان چیزی است که قائن در این سؤال بلاغی به آن اشاره

می کرد. قائن فکر کرد که پاسخ این سوال این است که او نگهبان برادرش نیست.

با این حال، آیا ما در واقع نگهبان برادرمان هستیم؟ بله. بنابراین قائن برادرش را می کشد. این چیزهای زیادی را از نظر ساخت پیدایش مطرح می کند. آیا تا به حال وضعیت برادر خوب/برادر بد را در یک خانواده دیده اید؟ آیا چیزهای دیگری از این دست از ماهیت رقابتی خواهر و برادر دریافت می کنید؟ آیا تا به حال بین برادران و خواهران در خانواده رقابت داشته اید؟ من در خانواده ای با پنج فرزند بودم و بزرگترین آنها بودم. آخرین خواهرم پنج یا شش سال بعد از بقیه ما به دنیا آمد. بنابراین پدرم وقتی بزرگ شدم، حتی نمی دانم چگونه این را در فرهنگ شما بگویم. پدرم فردی سختگیر بود. من او را مرد کمر بند می نامم. حالا به محض اینکه من این را می گویم شما بچه ها و گریه می کنید، "سوء استفاده، سوء استفاده. او در واقع با کمر بند به شما ضربه زد." ما در آن روزها آن را نظم و انضباط می نامیدیم، نه سوء استفاده. آیا پدرم مرا دوست داشت؟ پاسخ "بله" است و به همین دلیل است که او این کار را کرد. او با ما سختگیر بود. او با من و برادرم بسیار سختگیر بود، اما زمانی که خواهرم که پنج سال در فاصله آنجا بود، خواهرم، برادرم و من عقب ایستادیم و تعجب کردیم که چگونه او از همه چیز فرار کرد. او پدرم را دور انگشت کوچکش پیچیده بود. آیا حسادت کردیم؟ ما می توانستیم تفاوت را ببینیم. اینجا چه اتفاقی افتاد؟ اتفاقی که در اینجا افتاد این بود که پدرم با بزرگتر شدن شل شد. بنابراین ماهیت رقابتی که در اینجا می بینید در پیدایش نیز دیده می شود. در مورد رقابت خواهر و برادر در پیدایش به من بگویید. مثالی از رقابت خواهر و برادر در پیدایش به من بدهید. لیا و ریچل رقابت خواهر و برادر زیادی داشتند. گفتی، یعقوب و عیسو. آیا کسی یکی دیگر دارد. یوسف و برادرانش نمونه خوبی است. موضوع رقابت خواهر و برادر یک موضوع تکراری بزرگ در پیدایش است. وقتی بچه بودم، من و برادرم همیشه دعوا می کردیم. یک بار او واقعا از دست من عصبانی شد، یک چاقوی کره ای برداشت و تا جایی که می توانست آن را به سمت من پرتاب کرد. "گاو مقدس، با چاقو چه کار می کنی؟" بنابراین دستانم را برای محافظت بالا انداختم و چاقو در بازویم فرود آمد و در بازوی من آویزان شد. من هرگز احساس آویزان شدن این چاقو از بازویم را فراموش نخواهم کرد. برادر من بزرگترین مرد جهان است. او دیوانه است، اما عالی است. بنابراین بعد از آن هر دوی ما بلافاصله فکر کردیم، "وقتی پدر به خانه می آید. این بد است. او وقتی به خانه رسید ما را خواهد کشت." بنابراین، او سعی می کند آن را بکشد و ما نمی توانیم آن را بیرون بیاوریم. بنابراین، ما پیش مادر رفتیم. چرا مادرمان را وارد آن کردیم؟ ما باید با پدرمان روبرو شویم و این وحشت مطلق است. بنابراین ما نزد مادر رفتیم تا سعی کنیم او را کنار بگذاریم. او هم نمی تواند آن را بیرون بکشد. بنابراین، پس چه اتفاقی می افتد؟ مجبور شدم خودم آن را بیرون بکشم. پس چه اتفاقی می افتد؟ پدرم به خانه می آید، صدای ماشین را می شنویم و به سمت تپه ها می دویم، زیر تخت های دو طبقه پنهان می شویم. ما آماده ایم. پدر به خانه می رسد و مادرمان بیرون می رود تا این کار را به بهترین شکل ممکن انجام دهد. ناگهان می شنویم که پدرم شروع به فریاد زدن کرد. او شروع به فریاد زدن می کند و ما آن را در زیرزمین می شنویم. «قابیل! قابیل! او سعی کرد

برادرش را بکشد!» حالا من و برادرم هر دو پیرمرد هستیم. خب شما این دو پیرمرد را دارید که دور هم نشسته اند و می خندند زیرا ما این چیز را با پدرم به یاد می آوریم. این همیشه یک متن بسیار خاص برای من بوده است. باید بگویم که برادرم بهترین دوست من در زندگی من است. اما من پرتاب چاقوهای کره ای را توصیه نمی کنم.

I. نفرین بر قائن [64:41-61:18]

حالا بیایید در مورد نفرین قائن بحث کنیم. قابل نفرین می شود و با نفرین قائن چه اتفاقی می افتد؟ نفرین قائن این است که او باید سرگردان شود. او محکوم به سرگردانی است و به عنوان بخشی از نفرین خود از جایی به مکان دیگر می رود. کین قرار است تا آخر عمر همینطور باشد - یک سرگردان، به این معنی که او تقریباً تا آخر عمر تنها خواهد بود. بنابراین ما به این موضوع تنهایی بازگشته ایم. آیا تنهایی یکی از بدترین چیزها در جهان است؟ من این را می گویم زیرا بسیاری از زندگی من به تنهایی سپری شده است و این یکی از بدترین احساسات است، احساس اینکه در کل جهان تنها هستید. این یکی از افسرده کننده ترین چیزهایی است که در زندگی ام تجربه کرده ام. آیا مردم وقتی سرگردان هستند در فرهنگ ما مشکل دارند؟ آیا مردم در فرهنگ ما زیاد حرکت می کنند؟ وقتی جوان هستید، کاملاً آرام هستید، اما وقتی بزرگتر می شوید شروع به حرکت زیاد می کنید. من و همسرم در هشت سال اول ازدواجمان هشت بار نقل مکان کردیم. یکی از این حرکت ها به اسرائیل بود و دیگری به بریستول، تنسی بازگشت. به هر حال، چیزی که من می گویم این است که ما هشت بار نقل مکان کردیم و بعد از مدتی نقل مکان کردیم و نقل مکان کردیم و نقل مکان کردیم. سفر کردن عالی است، اما آیا تا به حال آنقدر سفر کرده اید که از همیشه سفر کردن خسته شده اید و فقط می خواهید به خانه بروید؟ خانه چیست؟ من و همسرم با درک اینکه اکنون خانه برای ما کجاست، مشکل داریم. تقریباً مثل این است که ریشه های ما قطع شده است. خانه کجاست؟ به نوعی مثل این است که جایی که هستید خانه است. اینطور است زیرا ما هیچ ریشه ای نداریم. من فقط می خواهم شما در مورد آن فکر کنید. خودم نمی دانم در این مورد چه کار کنم. شما حس خانه، احساس مکان و تعلق دارید و ریشه های خود را در آنجا می گذارید. من می دانم که فرهنگ ما همه چیز در مورد سرگردانی است، اما چیزی که من می گویم این است که مراقب سرگردانی باشید زیرا ممکن است در تمام زندگی خود سرگردان باشید. قائن با این سرگردانی نفرین شد. وقتی صحبت از کاوش به میان می آید، سرگردانی خوب است، اما باید مراقب باشید که حس خانه، ریشه دار بودن و احساس تعلق یا احساس مکان را از دست ندهید. بنابراین قائن سرگردان می شود. در فصل 4 می گوید، "قائن از حضور خداوند بیرون رفت." پس چیزی که شما دریافت می کنید این است که کین به سمت چه چیزی حرکت می کند؟ آیا او به سمت خدا حرکت می کند یا از او دور می شود؟ او از خدا دور می شود و از خدا پنهان می شود. بنابراین، این مشکل قائن در آنجا است. بنابراین داستان قائن به عنوان اولین قتل در کتاب مقدس غم انگیز است. به هر حال، قائن گفت: «یک دقیقه صبر کن، من برادرم را کشتم، اما تو هنوز ده فرمان را نداده ای. آنها تا خروج 20 نمی آیند. من هیچ کار اشتباهی انجام ندادم. تو به من نگفتی که او را نکشم. من نمی دانستم این به چه معناست و اشتباه است." آیا قائن

شریعت خدا را که بر قلبش نوشته شده است می دانست؟ آیا انسان وجدان دارد؟ بله، شریعت خدا بر قلب آنها نوشته شده است (رومیان 2). او می دانست که اشتباه است. شما باید با آن از نظر مکاشفه خدا در تاریخ کار کنید.

J. Flood: پسران خدا و دختران انسان [68:25-64:42]

این یکی دیگر است: سیل. من می خواهم این را معرفی کنم. شما طوفان را دارید، جایی که پسران خدا در پیدایش 6 با دختران انسان ازدواج کردند. پسران خدا چه کسانی بودند؟ می گوید: «اکنون وقتی تعداد مردان بر روی زمین شروع به افزایش کردند، دختران برای آنها متولد شدند. پسران خدا دیدند که دختران انسان ها زیبا هستند و با هر یک از آنها که انتخاب می کردند ازدواج کردند. و خدا گفت: «روح من تا ابد با انسان نزاع نخواهد کرد، زیرا او فانی است. روزهای او 120 سال خواهد بود.» بنابراین او آن را محدود می کند. بعدها می گوید که خدا از ازدواج پسران خدا با دختران انسان غمگین شد. این پسران خدا و این دختران انسانها چه کسانی هستند؟ من می خواهم سه راه حل برای این پیشنهاد کنم. می خواهم به شما بگویم که من هر یک از اینها را در مقاطع مختلف زندگی ام آموزش داده ام و باور کرده ام. بنابراین، مطمئن نیستم که پاسخ صد در صد تضمین شده چیست. من می گویم این "پاسخ ها" راه حل های ممکن هستند. چرا خدا از ازدواج این پسران خدا با این دختران انسان اینقدر خشمگین شد؟ چرا آنها بچه هایی داشتند که غول یا نفیلیم بودند؟ چرا فرزندان آنها اینقدر خاص بودند؟ به هر حال، اکثر مردم همیشه از این موضوع صرف نظر می کردند. هیچ نمی تواند بفهمد که این افراد چه کسانی بودند. اما همه این را نادیده می گیرند، "زمین به خاطر آنها پر از خشونت شد." خدا می گوید: «من زمین را هلاک خواهم کرد.» او زمین را نه تنها به خاطر پسران خدا، بلکه به این دلیل که زمین پر از خشونت بود، نابود می کند. کلمه عبری خشونت چیست؟ حالا وقتی میگی حماس، این یک "h" سخت است. نیت می گوید که عاشق هوموس است. تو دوست داری هوموس، اما در آمریکا وحشتناک است. اما در اسرائیل، شما چیزهای واقعی را می خورید. شگفت انگیز است. مثل خوردن یک استیک پنیر فیلادلفیا در خارج از فیلادلفیا است. فقط یکسان نیست. مکان خاصی در اسرائیل وجود دارد که بهترین هوموس در جهان را دارد. چیز دیگری که باید آن را بخورید باقلوا مدتی است. حال حماس، بیایید مواد غذایی را کنار بگذاریم. چرا شما بچه ها می دانید که این کلمه عبری به چه معناست؟ به این دلیل است که شما نام گروه حماس را شنیده اید. این گروه در اسرائیل امروز حماس نامیده می شود. این کلمه در عربی و عبری به چه معناست؟ به معنای "خشونت" است. آیا سرنخی دریافت می کنید که چه اتفاقی برای آنها می افتد؟ خشونت چیز آنهاست زیرا در نام آنها نهفته است. ما پسران خدا و دختران انسان ها را داریم و این بیشتر از آنچه من می خواهم طول می کشد. بنابراین من نمی خواهم بحث را قطع کنم. کاری که من از شما می خواهم انجام دهید این است که کل کتاب پیدایش را در شصت ثانیه انجام دهید. ما در شصت ثانیه کتاب مقدس را انجام می دهیم و بعد کارمان تمام می شود.